

حقوق و جزای عمومی ۳

گردآورنده: محمدامین شریفی

استاد: دکتر پیوندی

والث در برابر مجرم
سر فصلها :

محور اول: مباحث مقدماتی و طوع

تعریف و انواع ← کیفیت و اقداعات تأمین و
چرا در نوع و اکثر و ابرم ؟

اهداف

وثرگی ها

مقایسه بین کیفیت و اقداعات تأمین

اصول حاکم بر مجازات ها

محور دوم: طبقه بندی مجازات ها

طبقه بندی بر اساس قانون ← حدود، قصاص، دیات و تعزیر

طبقه بندی بر اساس نسبت مجازات ها با بد بدلیله ← مجازات های اصلی، مجازات های

تکلیلی و مجازات های تبعی

طبقه بندی بر اساس موضوع مجازات

محور سوم: تعیین مجازات

عوامل محافظت از مجازات

عوامل و کیفیات تخفیف

عوامل و کیفیات تشدید

عام ← تعزیر مجرم

خاص ← تکرار مجرم

عین ← شخص

محور چهارم: سقوط مجازات

فوت محکوم علیه

گذشت متضرر از مجرم

عفو

نسخ قانون

مردود زمان

توبه

تعریف :

والنسخ بجرم یک عمل یا زمان یا فیه ارزش یقین شده است که جامع در برابر جرم از خود نشان می دهد.

انواع واکش علی جرم :

الف - کفیره ← اقدام سرکوبنده [در صورتی که شخص مسئول باشد] و آن را کفیر کرد یعنی نذوقه بنگر

است [

ب - اقدامات تأمینی ← اقدام شکیبانه و هائیک [آئینه ننگر است]

نکته :

فردی که دچار جرم می شود یا ← دارایی مسئولیت کفیره است و دارایی کفیره است

دارایی مسئولیت کفیره نیست : نفسی توان شخص را کفیر کرد و فقط می توان

اقدامات تأمینی انجام داد.

والنسخ در برابر جرم :

در نظام های کفیره در برابر جرم به طور کلی ۲ نوع واکش را مدنظر قرار می دهند :

۱) اقدامات کفیره و حقوق کفیره ارتباط ندارد و مربوط به قبل از ارتکاب جرم است .

۲) اقدامات واکش و اقداماتی که در قانون کفیره برای دفاع از جامعه و یا ارزش های اجتماعی

در برابر خطرات و صدمات ناشی از جرم در نظر گرفته می شود. لذا کسی که مرتکب جرم می شود

یا فقط به کفیر محکوم می گردد و یا اقدامات تأمینی هم در موردش اعمال می گردد.

نکته :

بعضی افراد بیان کرده اند که چرا ما واکش را به دو دسته تقسیم کنیم بلکه هر دو را یکی کنیم و نام آن را

اقدامات دفاع اجتماعی در برابر جرم قرار دهیم [یعنی اقدامات کفیره را به اقدامات تأمینی نزدیک کنیم]

اهداف کتبی:

۱. رویکرد نتیجه‌گرا این است. نگارش آینده‌نگار است و پایه‌ی آن بر تفکر اصالت‌خایره بنیان نهاده شده است. در این رویکرد چند هدف مطرح است: الف - بازدارندگی

ب - ناتوان‌سازی

۲. رویکرد مضافات‌گرا این (سنگ‌تراش) است. بیشتر توجه به اعمال نژاد فرد دارد. ج - اصلاح و درمان

یعنی عدالت اختصاصی کند فرد معازات شود. د - جبران یا تلفات زیان

در این رویکرد چند هدف مطرح است: الف - سزای شخصی

ب - معازات کفرتاوان جرم است

ج - کفرتیک نوع توبیخ معنوی است

۳. رویکرد ترکیبی [ترکیب از رویکرد بالا]: در مرحله اول بیشتر خایره‌گرا است و امید نظر قرار می‌دهد و در مرحله دوم سزاگرا است.

در نتیجه اهداف را می‌توان اینگونه تقسیم کرد:

۱. ارباب ← عمومی و ویژه معازات اجرا شود و عموم جامعه معازات را مشاهده کند برای

آزادیک نوع بازدارندگی دارد

فردی (خاص): برای خود شخص هم بازدارنده است

تعلیمی: اگر در یک دوره زمانی برای همه معازات اجرا شود این باعث تعلیم

افراد است نسبت به ارزشهای اجتماعی یعنی یک نوع فرهنگ‌سازی است

۲. سزادهی (مضافات): فردی که مرتکب جرم شده است نباید به کفرتیابند و باید متناسب با عملش

معازات شود

۳. بازسازی‌گرای (اصلاح و درمان): در واقع ارتکاب جرم نوعی خلاف ارزش است که با این معازات

مجرم را اصلاح می‌کنیم

ویژگی‌های کتبی:

۱- رسالتی: معازات مجرم را در میان مردم انگشت‌نما کند و حسیت اجتماعی شخص را

خودش را بر کند و به همین دلیل نباید در نام اعاده‌حسیت

با این ویژگی به هدف ارباب می‌رسیم

۲۱- معنی بولان: معنی مجازات باید ثابت و معین باشد معنی از قبیل مجازات های ششمنه رده است.

۳- قطعه بودن: مختار اجرا شود معنی جمله ای که معکوسیت ثابت در تمام مجازات شود.

۴- رنج آوردن: معنی ماهیت کفرد در ذاتش این رنج آوردن وجود دارد معنی مجازات همیشه باید تحت بارش.

حرف اصلی اقدامات تأمینی:

۷- نظر به آئینه دارد معنی شکیبایی از جرم در آئینه
۸- این هدف به دو روش حاصل می شود: (۱) بوسیله درمان در اصلاح بندهکار مثل کانون اصلاح و تربیت

کودکان

(۲) خنثی کردن عامل جرم یا آنچه اثر کردن عامل جرم است
مثل اینکه شخص را از همش برکنار کنیم زیرا ما دانیم که اگر در این

صفت بماند ریشه میگیرد.

دو تری های اقدامات تأمینی:

(۱) فاقد صیغه اصلاح است و بنابراین نباید شخص را سرزنش اخلاقی کنیم زیرا ایجاب خطایی گذشته او کاره ندارد بلکه حالت آئینه او را در نظر میگیریم.

مثل اینکه به پیشک مراجعه کنیم و او بجای درمان ما را سرزنش کند بلکه پزشک باید ما را درمان کند.

(۲) باید مدت آن نامعین باشد زیرا همیشه در میان وجهایش دارد و البته قانونگذار ناچاراً باید مدتی را در نظر بگیرد ولی این مدت قابل تغییر است.

(۳) تجدید نظر نیز از اقدامات تأمینی.

اصول کلی حاکم بر مجازات ها:

(۱) اصل قانونی بودن مجازات ← اصل ۳۶ ق. اساسی ماده ۱۱ ق. م. اصلاحی

ماده ۵۷۹ ق. تعزیرات

(۲) اصل رعایت کرامت انسانی ← اصل ۳۹ ق. اساسی

۲۳ اصل ضرورت مراخل مقام قضایی ← برای مجازات کردن افراد لزوماً باید مقام قضایی

صلاحیت دار مراخل کند. مثل بازرس خانه که نیاز به اجازه، قضایی است.

۲۴ اصل تخصیص بودن مجازات ها ← یعنی هر کس که جرم مرتکب شده همان شخص فقط مجازات

می شود.

نکته:

بدر خانواده هنگامی که جرم مرتکب می شود و مجازات می برد خانواده، اهرم چهارگانه قضایی

می گردند و این طبقات مجازات نیز است و یک اثر ملحق است.

اصل فردی بودن مجازات: وقت تعیین مجازات می کنیم با توجه به موقعیت و شرایط فرد

و آنست مناسب را در موردش انجام می دهیم یعنی در تعیین

مجازات مصیبت سببی می کنیم.

۲۵ اصل تساوی مجازات ها ← یعنی افراد مشابه که جرم مشابه انجام دادن در برابر قانون

برابر هستند. اصل ۱۷۰ ق. اساس

مثل اینکه یک سرکشی در برابر یک فرد ساده برابر است.

نکته:

این اصل تساوی بعد از مرحله تفسیر است نه در مقام تشریح.

طبقه بندی مجازات ها:

مقدمه:

گاه طبقه بندی، طبقه بندی است که قانون تعیین می کند و گاه طبقه بندی است که بواسطه موضوع صورت

می گیرد و گاه در تقابله با نسبت، مجازات ها با هم صورت می گیرد.

۱) طبقه بندی بر اساس قانون:

مجازات ها به چهار دسته تقسیم می شوند: حد و قصاص و دیه و تعزیر

ماده ۱۴ مجازاتهای مقرر در این قانون چهار قسم است: الف - حد - ب - قصاص - پ - دیه

ت - تعزیر. تبصره - منافی رابطه علیت بین ...

نکته:

مجازات های باز دارنده در تعزیر ادعای شده و این عمل صحیح است.

سوال:

ملاک این دسته بندی چیست؟

قصاص و حد

جرم جنایت ← مجلی که علیه تمامیت جسمانی افراد صورت می گیرد ← جنایت بر نفس
جنایت بر طرف

دارای مجازات متخفین از نظر نوع و میزان بوده ← حد
دارای مجازات متخفین از نظر نوع و میزان نبوده و به عالم و الزام

شده است ← تعزیر [در اثر نقض مقررات حکومتی یا در اثر

ارتکاب مجرمات شرعی]

ماده ۱۵ [حد مجازات است که موجب نوع، میزان و کیفیت اجراء آن در شرع مقدس تعیین شده است]

ماده ۱۶ [قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که بیشتر متذرع ...]

ماده ۱۷ [دیه اعم از مقدر و غیر مقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیر عمدی بر نفس ...]

ماده ۱۸ [تعزیر مجازات است که مسؤل عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ...]

انواع مجازات های حدی و

۱- قتل و اعدام مواد ۲۲۴ و ۲۲۵ در جرم زنا

ماده ۲۲۴ [هر زنا در موارد زیر اعدام است الف زنا با معارم نسبی ب زنا با زن یا زن پیر که موجب اعدام زانی است پ زنا با مرد غیر مسلمان یا زن مسلمان که باعث اعدام زانی است ...]

ماده ۲۲۵ [هر زنا برای زانی معصوم و زانیه معصومه جرم است و در صورت عدم امکان اجراء بر دم ...]

۲- شلاق مواد ۲۲۸ و ۲۲۹ در جرم زنا

ماده ۲۲۸ [در زنا با معارم نسبی و زنا با معصوم غیر زانیه بالغ و زانیه نابالغ یا با مجازات زانیه فقط صد ضربه شلاق است]

ماده ۲۲۹ [هر زنا در مواردی که مرتکب غیر معصوم باشد صد ضربه شلاق است]

۳- شلاق و تراسیدن سر و تن ماده ۲۲۹ در جرم زنا

ماده ۲۲۹ [مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول مرتکب زنا شود صد ضربه شلاق

تراشیدن روی سر و بتجدید مدت لیسال قوی است .

۴ - قطع دست ماده ۲۷۸ درجه ۱ برقت

ماده ۲۷۸ [حد برقت به شرح زیر است : الف - در مرحله اول قطع چهار انگشت دست راست است .
نکته :

گاهی مجازات حدی تخفیری است مانند معارب .

ماده ۲۸۲ [حد معارب یکی از چهار مجازات زیر است : اعدام ، صلب ، قطع دست راست و پای

چپ ، نقره بلد .

فروق دین و مجازات نقدی : (۱) مجازات نقدی به حساب قانون ریخته می شود ولی دین به فرد ضرر

گردد داده می شود .

(۲) مجازات نقدی بوعقد می خورد تخفیف است و در صورت فوت او مجازات نقدی منتفی

می شود ولی دین باید در هر صورت داده شود .

سوال :

آیا دین مجازات است ؟

در نگاه اول دین امری است که برای جبران خسارت است پس مجازات نیست (دارای اشکالاتی

است) .

در نگاه دوم نوعی از مجازات است زیرا در قانون زیر مجموع مجازات ها ذکر شده است .

انواع مجازات های تعزیری (درج بندی تعزیرات) :

قانون مجازات های تعزیری را به ۸ درجه تقسیم بندی کرده است .

سوال :

بنیای این تقسیم بندی چیست ؟

شاید بتوان گفت که این تقسیم بندی الگوگیری شده است از تقسیم بندی حد .

نکته :

درجه بندی نیز است که می توان در جاهای مختلف قانون از آن استفاده کرد مثلاً قانون تراش سر خواهد

درجه بندی تخفیف دهد که این درجه بندی در تخفیف دیگر می گذرد پس این درجه بندی ها نوعی راغبانه صاحب این

نکته ۱

۱ مبنای درجه بندی مجازات های تعزیری این است که مجازات های تعزیری از یک نوع نیستند پس برای
۲ آنکه مجازات ها مشخص باشند آثار درجه بندی کرده اند. ماده ۱۹ مجازات های تعزیری به ۸ درجه تقسیم

۳ می شود. [

۴ خود قانون گذار هم از این درجه بندی استفاده می کند مثل ماده ۳۷ که در آن بیان شده دادگاه می تواند
۵ به متهم تخفیف دهد مثل تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه.

نکته ۲

۶ در صورتی که جزایه مثلاً بین ۶ ماه تا ۲ سال حبس باشد باید حداقل آن ملاک باشد پس اگر در قوانین
۷ جزایه حد اکثر در یک درجه باشد و حداقل در یک درجه دیگر درجه حد اکثر ملاک است پس مثلاً اگر
۸ ۶ ماه زندان در درجه ۶ است و ۲ سال زندان در درجه ۵ ملاک درجه ۵ است.

۹ تبصره ۲ ماده ۱۹ مجازات که حداقل آن منطبق بر یکی از درجات فوق حد اکثر آن منطبق با درجه بالاتر
۱۰ باشد. از درجه بالاتر مصوب می شود. [

۱۱ اگر یک جرم دارای مجازات های مختلف باشد مجازات که شدت آن بیشتر باشد ملاک است
۱۲ مثلاً اگر حبس درجه ۴ و جزای نقدی درجه ۵ باشد ملاک درجه ۵ است و در صورتی که نتوانیم این
۱۳ شدت را مشخص کنیم ملاک حبس است و اگر مجازات با هیچ یک از این درجات مطابقت
۱۴ نداشته باشد مجازات درجه ۷ مصوب می شود. مثل ماده ۶۵۱ که مجازات سابق درجه ۲
۱۵ است نه درجه ۴ زیرا حبس درجه ۲ و شلاق درجه ۴ گفته شده که در این جا شدت ملاک است
۱۶ که درجه ۲ شدت تر از درجه ۴ است.

۱۷ تبصره ۳ ماده ۱۹ در صورت تعدد مجازات ها، مجازات شدت تر و در صورت عدم امکان تخصیص مجازات
۱۸ شدت تر مجازات حبس ملاک است. هم چنین اگر مجازات با هیچ یک از ایندهای مدت گانه این ماده
۱۹ مطابقت نداشته باشد مجازات درجه ۷ مصوب می شود. [

۲۰ مثلاً آنکه در قانون مجازات صادره، بعضی از اموال آمده که مطابق هیچ یک از درجه بندی که
۲۱ درجه ۷ مصوب می شود.

نکته ۳

۲۲ آنکه ما مجازات ها را درجه بندی می کنیم یعنی مثلاً به دو قسم صادره، بعضی اموال مساوی با درجه ۲ است

1 برای این می‌باید که اگر خواستیم تخفیف دهیم بدانیم کدام درجه بوده که اگر خواستیم مثلاً در درجه تخفیف
 2 دهیم بدانیم تخفیف آن چند است.
 3 پس این درجه بندی حاوی این جا بگزینه مجازات نیست.

سوال 3:

4
 5 اعدام در صحنه این جزو کدام مجازات است؟
 6 یا باید بگویم جزو حدود است و یا قصاص، زیرا به نظر من اگر طبق مواد موجود ما مجازات تعزیری
 7 به نام اعدام در صحنه این نزاریم پس صحنه این جزو درجه 1 است.

۲ طبقه بندی مجازاتها بر اساس سنت آنها باید دیکر:

10 الف - مجازاتهای اصلی، مجازاتی که قانون گذار برای هر جرمی در قانون به طور خاص
 11 پیش کرده و مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد.
 12 به عبارت دیگر آن ضمانت اجرای اصلی هر جرم را مجازات اصلی گویند.
 13 این مورد زمانی اجرا می‌شود که حکم قطعی صادر گردد.
 14 مقنن برای تعیین مجازات اصلی از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند.
 15 در برخی موارد واحد است مثلاً فقط حبس است و یا فقط شلاق است.
 16 گاهی قانون گذار برای یک جرم بیش از یک مجازات تعیین می‌کند مثل
 17 حبس یا جزای نقدی، حبس و جزای نقدی.
 18 نکته: گاهی تعیین مجازات بر مبنای قاضی گذاشته می‌شود مثل ایند لقمه خوردن
 19 مجازات طلاق محله، دیال حبس یا اسیلیون جزای نقدی یا جرم دو است.
 20 ماده 48.

21 ب - مجازاتهای تکمیلی: مقررات این مجازات در مواد ۲۳ و ۲۴ و اشاره این به آن در ماده ۸۷
 22 شده است. در قوانین سابق عناوین ما نام مجازات تکمیلی نداشتیم اما در
 23 قانون فعلی این اصطلاح به کار رفته است.

24 تعریف: مجازاتی که علاوه بر مجازات اصلی تعیین می‌شود و متماً باید متبذ و متدل
 25 به قانون در حکم دادگاه قید شود. البته اکثر مجازات تکمیلی جزو اختیارات

۱ دادگاه است

۲ نکتہ:

۳ مجازات تکلیفی بر اساس نوع و شدت جرم تقسیم می شود و هیچ گاه به تنهایی مورد حکم قرار نمی گیرد

۴ یعنی همیشه مجازات تکلیفی در کنار مجازات اصلی می آید.

۵ تلفیق مجازات تکلیفی:

۶ نکتہ اول: مجازات تکلیفی برای رفع نقص مجازات اصلی است زیرا فرض بر این است که قانونگذار

۷ وقت مجازات را تعیین می کند تا سبب بیخ جرم و مجازات رعایت می شود.

۸ نکتہ دوم: مجازات اصلی وقت می تواند به همی اهداف دست پیدا کند ما وضع مجازات تکلیفی به آن

۹ اهداف دست پیدا کنیم. پس ذاتاً مجازاتهای تکلیفی شبیه به اقدامات تأسیسی و تربیتی هستند و انتظامی

۱۰ ندارد در کنار مجازات اصلی باشد هر چند قانونگذار به عنوان مجازات تکلیفی آورده است.

۱۱ سوال:

۱۲ آیا مجازات تکلیفی انواع دارد یا خیر؟

۱۳ دیدگاه اول: برخی از حقوق دانان می گویند مجازاتهای تکلیفی به ۲ نوع تقسیم می شود ۱) تکلیفی اجباری

۱۴ ۲) تکلیفی اجباری و اکثر موارد تکلیفی اجباری است.

۱۵ هر گاه قانون قاضی مکلف کرده باشد که در کنار مجازات اصلی از تکلیفی استفاده کند به این تکلیفی

۱۶ اجباری گویند. این مورد در قانون بسیار کم است مثلاً ماده ۷۱۲ در بحث تکرر به صحت اشاره

۱۷ ماه و اگر توان مالی دارد علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموال که از تکرر گری حاصل شده مصادره

۱۸ خواهد شد. یا ماده ۱۴ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ اگر فرد مرتکب فعل جرم شود علاوه بر

۱۹ مجازات اصلی، اقرار او هم گرفته می شود.

۲۰ دیدگاه دوم: وقت مجازات تکلیفی اجباری شد تبدیل به مجازات اصلی می شود و تکلیفی دیگر معنا

۲۱ ندارد.

شرایط مجازات تکلیفی: ماده ۲۳ و ۲۴

۱) مجازاتهای تکلیفی در خصوص جرمات مبتدیان برای نخبه از مجازاتهای تکلیفی را مشخص کرد. یعنی دادگاه زمانی می تواند مجازات تکلیفی را تعیین کند که محکوم به قصاص یا محکوم به حد یا به تعزیرات درجه شش باشد.

نکته:

قانونگذار در بعضی از جرائم سنگین مثلاً درجه ۷ در یک ماده دیگر مجازات تکلیفی پیش بینی کرده است و آن ماده ۸۷ است.

۲) آیا در مورد اخص حقوق امکان تعیین مجازات وجود دارد یا خیر؟

تقریباً (نعم) خود زیرا قانونگذار از واژه می فرد استفاده کرده است پس شامل شخص حقوقی نمی شود این استدلال قوی است.

تقریباً (نعم) این فرد خصوصاً نذاری می تواند به جایی فرد شخص نذاری است و بعد است قانونگذار فرد را با قصد آورده باشد.

۳) رعایت تناسب در صدر ماده ۲۳ به آن تصریح شده است.

۴) یک یا چند نفر چه؟ به این معنا است که قاضی در تعیین مجازات محدودیت ندارد هر چند که تناسب فرضی موارد را جرم رعایت نمی شود پس این خلاف است و باید اصلاح شود.

۵) مدت مجازات تکلیفی حداکثر ۲ سال است مگر در مواردی که قانون به مقدار خاصی تعیین کرده باشد.

سوال:

آیا مجازات تکلیفی اختصاص به جرائم عمدی دارد یا بر جرائم غیر عمدی هم وجود دارد؟
تبیان تصریح می کند که باید عمدی باشد اما در حال حاضر به طور کلی آورده و اختصاص به عمد ندارد است.

نکته:

لازم است قاضی حد اکثر مجازات اصلی را در نظر بگیرد و بعد مجازات تکلیفی را با او در یک نفر تواند کمتر از آن را قرار دهد مثلاً درصورتی که ۱ تا ۳ سال ۲ سال صحت به همراه مجازات تکلیفی قرار دهد.

1 مصادیق مجازات تکلیلی :

2 مبتدأ به صورت کلی به نوع مشخص شده بود : (۱) منع از حقوق احتمالی (۲) منع از اقامت

3 (۳) اقامت اجباری

4 اما در حال حاضر قانون نیز بر این مبنی است که در ماده ۲۳

5 نکته :

6 کسی که منع از شغلی می شود و یا منع از رانندگی می شود جواز انزاع یا طرد می شود و بعد از سقوط باید دوباره

7 جواز بگیرد. ماده ۲۳ [منع از اشتغال به شغل ، کسب ، حرفه یا کار معین مستلزم لغو جواز کار یا پروانه کسب

8 حرفه یا کار است ...]

9 [راننده کسی است که وسیله را جایب جامه کند مثل راننده ماشین اما اگر وسیله قابل نقل و انتقال نباشد

10 مانند نقل های ثابت در این صورت کسی که آن را حرکت می دهد مقصدی آن است .]

11 سوال :

12 اگر فردی که محکومیت به مجازات تکلیلی دارد عطف بود ضمانت اجرائی چیست ؟

13 ماده ۲۴ . اگر بار اول رعایت نکند میزان مجازات تکلیلی به اندازه ۱/۳ حکم داده شده اضافه می شود

14 مثلا اگر ۱ سال مجازات تکلیلی او باشد هر بار مجازاتش یکسال و سه ماه است یعنی سه ماه با او

15 اضافه می شود و اگر بار دوم نیز عمل را تکرار کرد مجازات تکلیلی او به جزای نقدی یا حبس درجه ۷ و ۸ تبدیل

16 می شود

17 ج مجازات تبعی :

18 مجازات های که علاوه بر مجازات اصلی و بدون نیاز به حکم دادگاه اما بر اساس قانون به

19 صورت خودکار بر محکومیت بار می شود بین مجازات تبعی نوعی محرومیت از حقوق احتمالی است

20 مثل انفک و قشر برای شغل مجازات در نظر گرفته می شود در اداره های آگاهی ثبت می گردد و حتماً به شخص

21 نخواهد درصحنه استخدام شود نیاز به عدم سوء پیشینه دارد پس شخص چندان سوء پیشینه ندارد نفر توان

22 از استخدام شود

23 نکته :

24 مصادیق احتمالی در ماده ۲۶ است و این موارد هستند :

25 طرد ، مقصره ۱ ماده ۲۶ به میزان آن برمی گردد در حکم محرومیت پیدا می کند از فرصت دولت هم منفعلی

۱ می شوند پس اگر کاربندی عکس ۱ سال زندان و بعد ۳ سال محرومیت باشد در این ۳ سال
۲ یعنی تواند سرکار دولتی بود.

۳ **شروط اعمال مجازات تبعی: ماده ۲۵**
۴ ۱) حتی باید محکومیت قطعی شود و لذا محرومیت افراد شامل محکومیت های غیر قطعی نمی شود
۵ یعنی محکومیت قطعی اجرا و بعد محرومیت آغاز می شود.
۶ ۲) مجازات تبعی فقط مخصوص جرائم عمدی است.

۷ **سوال ۲**
۸ اگر تخفیف به ۵ سال تبعید در زندان شهر معلوم باشد و ۲ سال هم محرومیت داشته باشد آیا در این ۵ سال
۹ تبعید هم محرومیت یا خیر مثلاً می خواهد برای کاندیدایی شرکت کند؟
۱۰ بله طبق تبصره ۳ ماده ۲۵ محروم است.
۱۱ پس کسی که به ۳ سال حبس محکوم شده ۲ سال محرومیت او بعد از پایان ۳ سال حبس است هر چند
۱۲ که در آن ۳ سال هم محروم است در تبعی محرومیت بعد از اجرای محکومیت است.

۱۳ **نکته:**
۱۴ محرومیت از حقوق اجتماعی در برخی از محکومیت ها است نه در تمام محکومیت ها.
۱۵ محکومیت ← شرف ← محکومیت که محرومیت به دنبال دارد.
۱۶ ← غیر شرف ← محکومیت که محرومیت به دنبال ندارد.
۱۷ **نکته ۲**

۱۸ مجازات تبعی در مواردی مثل آزادی مشروط، عفو و... از زمان عفو، پایان آزادی مشروط و...
۱۹ آغاز می شود.
۲۰ **آزادی مشروط:** مثلاً کسی که ۳ سال حبس دارد بعد از زندان یکسال و نیم در زندان درخواست
۲۱ آزادی مشروط می دهد و دادگاه بعد از بررسی و احراز شرایط برای آزادی مشروط به جای این
۲۲ یکسال و نیم باقی مانده مثلاً در سال آزادی مشروط به او می دهد.
۲۳ باید توجه شود که محرومیت تخفیف بعد از پایان آزادی مشروط او آغاز می شود و البته در زمان
۲۴ آزادی مشروط هم محروم است همانگونه که در زندان بوده است.

سوال ۱

۲ بعد از زمان محرومیت چه اتفاقی می افتد؟

۳ اعاده‌ی حیثیت می شود یعنی وقتی که زمان محرومیت گذشت فرد به حالت عادی برمی گردد و

۴ محرومیت او تمام می شود یعنی اگر تا دیروز نمی توانست استخدام شود الان می تواند استخدام شود

۵ تبصره ۲ ماده ۲۶

۳) طبقه بندی مجازات‌ها بر اساس موضوع :

۸ ۱- سلب حیات : بعضی از حقوق دانان سلب حیات را در زمره‌ی مجازات‌های بدین

۹ قرار می دهند ولی برخی دیگر این دو مورد را تفکیک می کنند چون مجازات‌های

۱۰ بدین گاه به حیات انسان ندارد و فقط به بدن انسان لطمه وارد می کند

۱۱ لذا این دو قسم بدینتر اند

۱۲ در دیدگاه اول سلب حیات سبب ختم مجازات است

۱۳ در خصوص این مجازات میان حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد که آیا

۱۴ اعدام سبب نیست دارد یا خیر و آیا باید از مجازات کفیری حذف شود یا خیر؟

۱۵ دلیل قائلین حذف اعدام از مجازات کفیری این است که حیات را خداوند

۱۶ به انسان داده و شما به انسان حیات نداده اید که بتوانید آن را از او بگیرید

۱۷ اما در جواب این استدلال گفته شده است موارد دیگری از مجازات‌ها مثل

۱۸ سلب آزادی همین گونه است یعنی آزادی را کسی به انسان نداده است ولی

۱۹ همه قبول داریم که در مواردی حق سلب آن وجود دارد

نظریه

۲۱ مجازات سلب حیات از سلبات فقهی است و بنا بر نظر مشهور در نوع

۲۲ مجازات سلب حیات وجود دارد : (۱) قصاص (۲) اعدام (جد)

۲۳ عمده موارد اعدام در مورد جرائم جرمی است و حال گاهی مجازات اعدام

۲۴ ابتدای است مثل سبب نبی یا قیام سلحشور در برابر نظام جمهوری اسلامی

مواد ۲۲۴ ، ۲۶۲ ، ۲۸۲ ، ۲۸۶ ، ۲۸۷

۱. نگاه در مرحله سدی علم مثل حد سرتت که شخص سارق در مرحله چهارم اعدام می شود ماده ۱۳۶

۲. برین اجمالی مجازات اعدام بر این جرم حمل و استفاده از مواد مخدر :
طبق ماده ۲۸۶ هر کس به طور گتوده مرتکب جنایت علیه تمامیت همجنس افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، افتلال در نظام اقتصادی کشور، اوراق و تحزیب و... در حد وسیع گردد مصنف ذی الارض محسوب و ب اعدام محکوم می گردد.

۳. حال که تویم مجازات اعدام بر این مواد مخدر از باب اصنا ذی الارض نیست چون در ماده مذکور اصنا ذی الارض را جرم نگاری کرده است و این از مواد مخدر بیان نشده هم چنین از باب تعزیری هم نمی تواند باشد زیرا اعدام تعزیری نداریم، پس طبق این اشکال اعدام مواد مخدر از چه منظر فقهی مابین و قسیم است؟ پس اشکال بر آهل قانون وجود دارد.

۴. مجازات های بدنی : این نوع مجازات بر سه قسم است :

الف) قصاص عضو ب) قطع عضو ج) شلاق
خود و قصاص عضو بر سه نوع است :

الف) جرح عضو ب) جنایت بر منفعت عضو ج) جنایت بر قطع عضو
قطع عضو که از مجازات حدی است بر دو نوع است :

الف) مجازات محارب ماده ۲۸۲

ب) کسی که بار اول سرتت حدی می کند ماده ۲۷۸ بیدالف
در سرتت شلاق باید گفته شود که هم شلاق حدی داریم و هم شلاق تعزیری
به طور مثال ماده ۲۲۸.

۳. سلب آزادی : این مجازات را می توان به سلب آزادی مثل زندان و محدود کننده آزادی مثل تبعید تقسیم کرد.

ماده ۶۴ قانون مجازات

۱ **مجازات های حبس** :
۲ در ماده ۶۴ دو شرط بیان شده است : (۱) گذشت سزاگی (۲) وجود یکی از موارد تخفیف
۳ باید توجه شود که طبق تبصره ماده ۶۴ دادگاه نهایتاً می تواند از ۲ نوع مجازات جایگزین استفاده
۴ کند .

نکته مهم :

۵
۶ معیار تعیین مجازات های جایگزین حبس مجازات قانونی هر جرم است و نه میزان مجازاتی
۷ که در حکم دادگاه قید می شود یعنی اگر مثلاً مجازات قانونی فلان جرم ۳ تا ۶ ماه حبس باشد
۸ و قاضی ۴ ماه را تعیین کرده باشد معیار ۳ تا ۶ ماه است .

۹
۱۰ **قانون نزار** از میان تمام جرائم محده که نروه را انتخاب کرده اما در جرائم غیر محده ب ۲ دسته
۱۱ تقسیم نموده است . این مجموعاً در ۵ گروه مابقی توانیم جایگزین حبس داشته باشیم .
۱۲ در برخی موارد این جایگزین ها قانونی است [یعنی اجباری] و در مواردی قضایی [یعنی اختیاری]
۱۳ **دسته اول** : جرائم محده که دارای سزای ۳ ماه حبس است .

۱۴ قاضی باید جایگزین حبس تعیین کند ماده ۶۵ . این ماده نافع بند ۱ ماده ۳ و اصول برخی
۱۵ از درآمدهای دولت و مصروف آن در برورد معین است .

دسته دوم :

۱۶ جرائم محده که حداکثر مجازات آنرا ۹۶ روز تا ۶ ماه حبس است .
۱۷ قاضی باید جایگزین حبس تعیین کند ماده ۶۶ . در این مورد قانون نزار شرط خاصی
۱۸ را در نظر گرفته است اما در مورد اول به صورت مطلق بوده .

دسته سوم :

۱۹ جرائم محده که حداکثر مجازات قانونی آنرا بیش از ۶ ماه تا یکسال حبس است .
۲۰ در این دسته از جرائم در صورتی که شرایط درج شده در ماده ۶۶ رعایت شده باشد
۲۱ دادگاه مخیر به تعیین جایگزین است .

نکته :

۲۲ اگر کسی در اثر کفایت مخفف در جرائم محده مجازاتش یا تخفیف به کمتر از یکسال
۲۳ کاهش پیدا کند نمی تواند از مجازات های جایگزین استفاده کرده . ماده ۷۳

دسته چهارم :

۲۴ جرائم غیر محده که مجازات قانونی آنرا حداکثر تا ۲ سال حبس باشد .
۲۵ قاضی باید جایگزین حبس تعیین کند ماده ۷۱۸ .

دستہ پنجم : جرائم غیر عمدی کہ مجازات قانونی آری سبتر از ۲ سال باشد .

قاضی مضار بہ تعین مجازات جابلزین ہیں (مادہ ۶۸)

دستہ ششم : جرائم عمدی کہ میزان مجازات را قانونگذار تعین نکرده است .

قاضی باید جابلزین ہیں تعین کند . مادہ ۶۹ و مادہ ۲۸ سے مطبوعات صوبہ ۶۴

سوال :

اگر کسی جرائم متعدد عمدی انجام دہد آئیہ تو ان جابلزین ہیں برائین تعین کر دے ؟

طبقہ مادہ ۷۲ امکان استفادہ از مجازات جابلزین ہیں وجود دارد مگر بطور اندک جمع کلام از جرائم انجام شدہ بیش از ۶ ماہ ہیں تراشتم باشد .

انواع مجازات برای جابلزین ہیں : مادہ ۶۴

۱) دورہ ہیرومانت مادہ ۸۳ و ۴۲

۲) خدمات عمومیہ رایگان مادہ ۸۴ برای افراد شغل علی حد اکثر ۴ ساعت و برای افراد غیر شغل علی حد اکثر ۸ ساعت است .

۳) جزای نقدی روزانہ مادہ ۸۵ یعنی بخشی از درآمد روزانہ شخص ، ماحیا نہ ہندوق دولت رضیہ ہا ہوا .

۴) جزای نقدی (۵) محرومیت از حقوق اجتماعی

نکتہ :

تنبہ جائید کہ در معلوم برای مجازاتیں گرفتہ می شود خدمات عمومیہ رایگان است . مادہ ۸۳

در حال درآمد خدمات عمومیہ رایگان نباید مانع امور معاش شخص باشد .

در خدمات عمومیہ رایگان باید تمام شرطہ اربط قانون کار رعایت شود یعنی فرد مہم مانتہ فرد عمومیہ است .

دادگاہ نیز تواند پیش از تک خدمت عمومیہ رایگان حکم دہد .

تکلیف از مجازات برای جا بگزارن من باید استواران در ضمن آن ه

در بار اول میزان حکم به میزان ۱ تا ۱۰ اضافه می شود و در بار دوم من اجرا می شود . ماده ۸۱

نظام نیمه آزادی ه

نظام نیمه آزادی شیوه ای است برای اجرای حبس . ماده ۵۶

شرایط ه ماده ۵۷

شرط اول ه فقط در حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۷ است

شرط دوم ه آن دادگاهی که حکم قطعی صادر می کند اختیار صدور حکم نظام نیمه آزادی را دارد .

شرط سوم ه اولاً باید نداشت شاکی وجود داشته باشد (بین اهل جرم قابل نداشت نیست زیرا اگر قابل

نداشت بود نداشت شاکی پرونده را منتفی می کرد یعنی پرونده بسته می شد پس پرونده باید

دارای شاکی باشد زیرا اگر شاکی نداشته باشد نداشت فایده ای ندارد

قابل نداشت ه * شاکی شکایت کند شروع رسیدگی نمی شود و اگر شکایت کند در هر مرحله ای

که نداشت کند پرونده بسته می شود حتی در زمان احوال مجازات مثل توبه من

غیر قابل نداشت ه نیاز به شکایت شاکی ندارد و اگر شکایت کند در هر مرحله ای نداشت

کند پرونده بسته نمی شود

روماً سپردن تأمین مناسب

شرط چهارم ه باید معکوم راضی به این کار باشند در صورت عدم رضایت معکوم نمی توان نظام نیمه

آزاد را اجرا کرد

فلسفه رضایت معکوم چیست ؟

قانونگذار می خواهد یک کار درمانی - اصلاحی انجام دهد پس اگر خودش نخواهد درمان فایده ای

ندارد

نظام آزادی مشروط ه ماده ۵۸

شروط آزادی مشروط ه

شرط اول ه فقط مقصرین حبس های تعزیری است (از هر درجه ای که باشد)

شرط دوم ه برادر ۴ گانه ماده ۵۸ یعنی ۱۱ نشان دادن حسن رفتار (۲ احتمال

عدم تکرار جرم ۳۰ هجرت (به صورت قطعی یا بالقوه) ۱۴ معلوم قبل از آزادی
مشروط استفاده نکرده باشد.

شرط سوم: حبس یا بیش از ۱ سال است و یا کمتر از ۱ سال. اگر بیش از ۱ سال باشد باید
تعفو من گذشته باشد و اگر کمتر از ۱ سال باشد باید یک سوم گذشته باشد.
پس حبس ۱ سال یا بیش از ۱ سال و گذشت نصف حبس
کمتر از ۱ سال و گذشت ۱/۳ حبس

توضیح برای مشروط:

حکماً که فرد آزادی مشروط می شود از زنان آزاد می شود اما آزادی او به صورت مطلق
ست. مدت آزادی مشروط شامل بقیم مدت مجازات است یعنی اگر ۱ سال زنجان
داشته باشد بعد از گذشت ۲ سال به او آزادی مشروط می دهند و مدت آن ۴ سال باقی
مانده است البته دادگاه می تواند آن ۲ سال را کم یا زیاد کند.

نکته:

آزادی مشروط بیش از یک تا پنج سال است پس اگر کمتر ۳ سال حبس داشته باشد بعد از گذشت
۱۰ سال به او آزادی مشروط می خورد که آزادی مشروط او ۵ سال است یعنی ۵ سال به او خصمه
می خورد اما اگر کسی ۱۰ ماه از حبس باقی مانده بود همان ۶ ماه آزادی مشروط او است پس
حبس او اضافه نمی شود تا به یکسال برسد.

پس آزادی مشروط:

زیر یک سال: مدت باقی مانده آزادی مشروط است -
بالای یک سال: حداقل آزادی مشروط ۱ و حداکثر ۵ سال است

در صورتی که شخص آزادی مشروط دارد دادگاه می تواند شخص را به اجرائی دستور در ماده ۴۳ ملزم کند.
در صورتی که شخص از دستور در بار اول ۱ تا ۲ سال به آزادی مشروط او اضافه می شود.

در بار دوم آزادی مشروط او لغو می شود و از اول باید حبس های باقی مانده را در زنجان
بسر ببرد.

در صورتی که در آزادی مشروط جرم مرتکب شود آزادی مشروط او لغو و مجازات قبلی
اجرا و جرم جدید هم محاسب می شود.

۱. تعیین مجازات است :

۲. زمانی که قاضی دادگاه مجرم بودن خود را احراز می کند در صدور رأی باید یک سری از قوانین را رعایت کند.

۳. ۴. نهادهایی که قانونگذار در بحث تعزیرات پیش بینی کرده کرده و قاضی باید رعایت کند یا الزام است و یا اختیاری و ماده ۲۷ ق. مجازات .

۶. مقدمه :

۷. عوامل موجب جرم ← اصل جرم در کار نیست .

۸. عوامل رافع مسئولیت ← جرم هست اما مجازات ندارد .

۹. عوامل معافیت از مجازات ← عمل جرم و دارای مجازات است .

۱۰. عوامل معافیت از مجازات :

۱۱. عمل جرم است و دارای مسئولیت کیفری امام دلیل شرایط از مجازات او صرف نظر می شود .

۱۲. (۱) علل قانونی معافیت از مجازات (الزامی) : عذای معاف کننده ، مجازیر معاف کننده ، عذرهای قانونی

این موارد در قانون به صورت دقیق احصاء شده است .

۱۴. هیچگاه علی قانونی به عنوان یک قاعده کلی پیش بینی نشده است ، یعنی این موارد به صورت استثنا

در موارد خاص است نه برای تمامی مجازات ها .

۱۶. ۱- عذرهای کاری : اگر فرد یا مؤثرین دستگاه قضایی همکاری مؤثری داشته باشد با قاضی

۱۷. او را از مجازات معاف می کند . مثل ماده ۵۰۷ ق. مجازات و تبصره

۱۸. ۵ ماده ۳ ق. تدبیر مجازات مرتکبین ، ارشاد ...

۱۹. ۲- عذر توبه قبل از دستگیری یا اثبات جرم : یعنی توبه فرد باعث سقوط مجازات می گردد .

۲۰. ماده ۵۰۱ و تبصره ۵۱۲ ق. تعزیرات ، زبده ماده ۵۱۱ ق. تعزیرات

۲۱. اگر در جرائم حدی به غیر از قذف و محاربه شخص یا قبل از اثبات جرم

۲۲. توبه کند باعث سقوط مجازات می گردد . [در محاربه توبه یا قبل از دستگیری

۲۳. او ندارد نه بعد از آن و قذف یا توبه باعث سقوط نمی گردد]

۲۴. در تعزیرات در ۶ ، ۷ ، ۸ اگر فرد توبه کند مجازات او موقوف می شود

۲۵. ۳- عذر اطاعت از مافوق : شده ای که وجود دارد که مأمور نمی تواند از مافوق خود

مخالفت کند مثل ورود به خانه به دستور مافوق ، ماده ۵۸۰ ق. مجازات

۴- مضطرب بودن : تبصره ۲ ماده ۵۹۵ ، تبصره ماده ۵۹۲

۵- اقدامات مرتکب بعد از ارتکاب : تبصره ۵۹۲

۶- رصفت روانی خاص : فراری دادن یا مخفی کردن معلوم جرم است ملازمه شخص یقین به گناهی معلوم داشته باشد .

(۲) علل قضایی معافیت از مجازات :

یعنی اختیار معافیت از جرم به دست دادگاه است .

۱- علل قضایی معافیت به صورت عام : شرایط این نوع در ماده ۳۹ ذکر شده است

الف) در جرائم تقویری درجه ی ۸ و ۷ در صورت امر از یکی از ارجاعات

تخفیف دادگاه می تواند مشروط به شرایط مذکور از مجازات محاف کند .

ب) دادگاه باید یکی از شرایط ماده ۳۷ را تشخیص دهد

پ) فقدان سابقه کیفری مؤثر

ت) گذشت شاکی

ث) تشخیص اینکه با گذشت اول مرتکب توبه شود

ج) پیش از آن ظهور زمان را عبور کرده باشد

ذیل ماده ۱۱۴ .

۲- علل قضایی معافیت به صورت اختصاصی : این مورد در ماده ی ۵۲۱ و ۵۲۱

قانون تعزیرات بیان شده است .

سببهای تخفیف مجازات :

۱) علل قانونی تخفیف مجازات (اختصاصی) :

۱- عذر همکاری : یعنی همکاری یا آموختن دستگاه قضایی .

۲- عذر تنگ جرم : یعنی شروع به جرم کند و با اراده ی خود از آن دست بکشد

۳- عذر خانوادگی : مثلاً بچی خود را فراری می دهد تبصره ماده ۵۵۴

۴- عذر اعمالت: گاهی فردی بعد از ارتکاب جرم تلاش می کند که آثار جرم را کاهش دهد مثل اینکه راننده مصدوم را که با او تصادف کرده به بیمارستان برساند، در این موارد قانون گذار قاضی را موظف به تخفیف کرده است. تبصره ۲ ماده ۷۱۹

۵- عذر توبه: در بعضی از جرائم حدی توبه باعث تخفیف مجازات از اعدام به حبس یا شلاق می شود تبصره ۲ ماده ۱۱۴

۲) علل قضایی تخفیف مجازات:

عللی که قانون گذار به دادرس اجازه می دهد تخفیف مجازات را داده است. این جهت تخفیف را قانون تعیین می کند اما در اجرا است قاضی معین است.

الف- جزئی رخص (یعنی جهت آن فقط توبه است) ماده ۱۱۵

ب- کیفیات مخفف: این کیفیات کلی است یعنی در تمام جرائم تعزیری قابل اجرا است البته اختیار اعمال این تخفیفات به دست دادگاه است.

چند نکته:

- ۱- کیفیات مخفف یک نوع کیفیات قضایی هستند. دلیل در ماده ۳۷ (دادگاه می تواند)
- ۲- این ماده در خصوص تمام جرائم تعزیری قابل اجرا است مگر در مواردی که قانون گذار فرداً اختصاً یا اجمالاً این کیفیات را منع کرده باشد مثل ماده ۴۴۴، زیر ماده ۷۱۹، تبصره ۶ ماده ۵ قانون صدور، تبصره ۲ قانون اصلاح گران در نظام انضباطی
- ۳- اگر در مرحله دادگاه بدوی قاضی کیفیات مخفف را اجمالاً نکند و حکم اعتراض شود پرونده تجدید نظر، آیا تجدید نظر می تواند کیفیات مخفف را اجمالاً کند؟
تجدید نظر دو حالت دارد یا اینکه پرونده صلب است که در آن تجدید نظر استان و یا اینکه پرونده سلب است که در آن پروانه عالی کشور، از آن جا می که پروانه عالی کشور رسیدگی شکل می کند پس نه تراند کیفیات مخفف را اجمالاً کند اما تجدید نظر می تواند کیفیات مخفف را اجمالاً کند
- ۴- اگر هر انچه که رسیدگی می شود جزو جرائم مطلوبه باشد بر اساس قانون مطلوب است سال ۹۴ ماده ۴۳ اختیار تخفیف به سینه داد هیئت منصفه است.

۱ - تبصره ۲ ماده ۳۸. (حرکات نظیر جرات منبج در این ماده در موارد خاصی نیستند و باید در نگاه
۲ لغو شوند و موجب همان جرات و مجازات را دوباره تخفیف دهد.)
۳ - مصادر فوق ذکر شده در ماده ۳۸ خصوصی است.

۴ **میزان تخفیف و ماده ۳۷**
۵ قانون گذار میزان تخفیف را به طور کامل مشخص کرده است.
۶ الف - تقلیل جس به میزان یک تا سه درجه
۷ ب - تبدیل مصادر درجی اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار
۸ پ - تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال
۹ ت - تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر
۱۰ نکته:

۱۱ در تمام مواردی که می خواهیم مجازات فرد را تبدیل یا تقلیل دهیم باید مناسب به حال متهم باشد.
۱۲ در بعضی موارد قانون گذار میزان خاصی را تعیین کرده است مثلاً در کتله از جرائم تعزیری ماده ۱۳۹ و
۱۳ تبصره ۳ ماده ۱۳۴.

۱۴ در مجازات جس فقط می توان درجه ای آن را کم و زیاد کرد و نمی توان آن را تبدیل کرد.
۱۵ **مصادر فوق جرات و تخفیف: ماده ۳۸**

۱۶ الف - گذشت ناشی یا مدعی خصوصی
۱۷ ب - همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکاء یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اسباب حاصله از
۱۸ جرم یا به کار رفتن برای ارتکاب آن

۱۹ پ - اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا رفتار تحریک آمیز بزه دیده
۲۰ یا وجود انگیزه شرافتمندان در ارتکاب جرم

۲۱ ت - اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

۲۲ ث - ندانست، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کمبودت یا بیماری

۲۳ ج - کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقرار وی برای جبران زیان ناشی از آن

۲۴ ح - تخفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا شایع زیانبار جرم

۲۵ خ - مداخله ضعیف شرکاء یا معاون در وقوع جرم

سبب برای تسدید مجازات :

علل عام :

الف - تعدد جرم : اگر فرد بیش از یک جرم انجام دهد و بین ارتکاب این جرائم محکومیت قطعی همراه با مجازات فاصله نباشد مثل اینکه سوت تقزیری زود و دستگیر شد ، ظاهر داری کرد و دستگیر شد ، حیانت در امانت کرد و دستگیر شد و ... مواد ۱۳۱ تا ۱۳۵ .
تعدد جرم به دو گونه است :

۱- واقعی (مادی) این مورد ها تند مثالی است که ذکر کرد .

۲- اعتباری (معنوی) یعنی رفتار واحد است ولی عناوین متعدد است

مثل اینکه یک فعلی انجام دهد که هم لاجورداری باشد و هم استفاده از سند جعلی .

ب - تکرار جرم : اگر فرد جرم مرتکب و بعد از آن دستگیر و مجازات شود اگر بعد از آن جرم انجام دهد به آن تکرار جرم گویند .

تکرار جرم به دو گونه است :

۱- عام : یعنی بعد از ارتکاب جرم اول هر جرم دیگری مرتکب شود .

۲- خاص : یعنی همان جرم سابق را تکرار کند .

نکته :

تکرار جرم در جرائم تقزیری درجه ۱ تا ۶ است .

در جرائم سیاسی ، مطبوعاتی و اطفال قاعده می تکرار جرم اعمال نمی شود .

علل خاص :

الف - شخص : مربوط به شخص مرتکب است مثل اینکه سبب خاص دارد .

ب - عینی : مربوط به شخص نیست بلکه مربوط به واقعه می پیونددنی است .

Subject: ۲۵

Year: Month: Day: ()

نکته:

در تعدد جرم گاهی قانون کنار برای مجموعه‌ی رفتارهای متعدد عنوان واحدی را پیش بینی کرده است مثل سرقت مکرر به آزار تبصره ۲ ماده ۱۳۴، و گاهی جرم مقدری جرم دیگر است که چند جرم به حساب نمی آید مثل اینکه برای دزدی باید وارد خانه شود پس هم جنگ حرمت منزل را کرده و هم سرقت اما هر دو یک جرم محسوب می شود.
اگر متار واحد نتایج مقدری داشته باشد تعدد مادی حساب می شود مثل اینکه نارنگی بنیاز در خانه ای تخریب و شخصی فوت شود.